

سیر تکامل استدلال‌های مربوط به مقررات افشای اطلاعات



دکتر علی سعیدی

عضر هیئت علمی دانشگاه اصفهان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سود بیشتر از جریان‌های نقدی است؟ و آیا بین تغییرات قیمت سهام با تغییرات سود رابطه وجود دارد؟ این موضوعات از دهه ۱۹۷۰ میلادی، پژوهشگران را به خود مشغول کرده و هنوز ادامه دارد.

در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، مسیری جدید از تحقیقات اثباتی حسابداری بر پایه علم اقتصاد ظهور کرد. این نوع تحقیقات تاکید داشتند تا به جای توضیح نقش حسابداری برای عرضه اطلاعات مورد استفاده برای ارزشیابی، اختلاف رویه‌های حسابداری بین شرکت‌ها و صنایع را توضیح دهند. انگیزه برای این نوع تحقیقات از دو جهت، یکی مناظره بر سر مقررات دولتی افشا و دیگری مطالعه در زمینه تغییرات حسابداری ایجاد شد.

مقدمه

پژوهشگران در سال‌های گذشته، فرضیه بازار کارا را به عنوان یک فرض پذیرفتند و نقش حسابداری را عرضه اطلاعات برای اهداف ارزشیابی در نظر گرفتند. پژوهشگران بعدی نیز کار آنان را دنبال کردند. پژوهشگران دریافتند که سود برای بازار سرمایه، دارای محتوای اطلاعاتی است. سایر ارقام حسابداری منکسر کننده متغیرهای مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (CAPM) است و بنابراین ممکن است حاوی اطلاعاتی درباره آن دسته از اوراق بهادار باشد که مورد معامله قرار نگرفته‌اند. این یافته‌ها باعث شد تا نقش حسابداری در عرضه اطلاعات، بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. برای مثال، آیا محتوای اطلاعاتی

این انتقاد را می توان به گونه ای بیان کرد که در بازار کارا نیز معتبر باشد. اگر مدیریت اطلاعاتی داشته باشد که از سایر منابع بیشتر است و آنها را در اختیار بازار قرار ندهد، می توان استدلال کرد که بازار نمی تواند بین شرکت های کارا و کمتر کارا تمایز قائل شود. بنابراین، فشارهای دولت برای افشا، توانایی بازار سرمایه را برای تمایز بین شرکت ها بهبود می بخشد و تخصیص سرمایه به طور مناسب صورت می گیرد.

این انتقاد مشکلاتی دارد. چرا سایر منابع اطلاعات تولید نمی کنند یا چرا مدیریت اطلاعات اضافی را افشا نمی کند؟ در یک بازار کارا، اگر منابع مختلف اطلاعات اضافی تولید نمی کنند نباید آنها را مجبور کرد. چون هزینه تولید اطلاعات بیشتر از درآمد ناشی از فروش آن است. مدیران نیز اطلاعات را به این دلیل افشا نمی کنند که هزینه افشای اطلاعات بیشتر از ارزش بازار اطلاعات است. بنابراین، الزام دولتی برای افشا تنها هنگامی می تواند عالی و بهتر باشد که هزینه تولید افشا الزامی کمتر باشد یا ارزش اجتماعی اطلاعات بیشتر از ارزش بازار آن باشد. این موضوع، یک موضوع تجربی است و واضح نیست که قدرت انحصاری مدیریت بر اطلاعات به عدم توانایی بهینه بازار برای تمایز بین شرکت های کارا و کمتر کارا بیانجامد.

مدیران در بازار رقابتی نمی توانند به وسیله نگهداری (حفظ) و معامله با اطلاعات، نرخ بازده غیرعادی کسب کنند چون نقطه تعادلی پاداش مدیران به میزان سود مورد انتظار وی از معاملات محرمانه کاهش می یابد (مان^۲، ۱۹۹۶) در بسازارکسار، قسمت سهام شرکت بگونه ای است که سرمایه گذاران خارج از شرکت (آنهايي که مدیران سود معاملات محرمانه خود را از آنها کسب می کنند) نرخ بازده عادی کسب می کنند. بنابراین، اثر معاملات محرمانه، کاهش قیمت سهام شرکت بدون افزایش (میانگین) پاداش مدیران است. تا درجه ای که معاملات محرمانه مانع تصمیمات تولید/سرمایه گذاری و تامین مالی مدیران شود، حتی به کاهش ارزش بازار شرکت منتج خواهد شد.

اگر مدیران با ارائه اطلاعات اضافی بتوانند بازار را قانع کنند که آنها کمتر درگیر معاملات محرمانه هستند می توانند ارزش بازار شرکت و رفاه خود (باتوجه به آنکه پاداش براساس ارزش بازار است) را افزایش دهند در نتیجه مدیران برای افشای اطلاعات انگیزه دارند و اگر هزینه افشا کمتر از

در این مقاله سعی شده است تا ابتدا مفاهیم فرضیه بازار کارا در زمینه دلایل سنتی مقررات افشا مورد بحث قرار گیرد. فرضیه بازار کارا این دلایل را به ادعاهای اثبات نشده درباره هزینه ها و منافع نسبی مقررات افشا تنزل می دهد. ولی پژوهشگران اثباتی حسابداری در پاسخ به تقاضا برای استدلال های مقررات افشا، استدلال های سوفسطایی (تصنعی) از ادبیات علم اقتصاد مطرح کردند. سپس، در ادامه این استدلال ها، بیان و مورد ارزیابی نقادانه قرار می گیرد.

فرضیه بازار کارا و استدلال های مرتبط با مقررات افشای اطلاعات

بسیاری از استدلال های گذشته در ارتباط با مقررات افشای اطلاعات شرکت های سهامی، یک موضوع مشترک داشتند و آن اینکه سهامداران، و بازار سهام در کل نمی توانند بین شرکت های کارا و کمتر کارا تمایز قائل شوند. دلایل مختلفی برای این عدم توانایی ارائه شده است. لغت ویج^۱ (۱۹۸۰) برخی از این دلایل را، کنترل انحصاری اطلاعات توسط مدیریت، سهامداران کم تجربه، ثبات رفتاری (دگماتیسم)، اعداد و ارقام بدون معنی، تنوع روش ها، و فقدان عینیت می داند.

کنترل انحصاری اطلاعات توسط مدیریت

اغلب ادعا می شود که گزارش های حسابداری، تنها منبع اطلاعات موجود برای سهامداران است و در پی آن استدلال شده است که مدیران می توانند قیمت های سهام را به نفع خودشان دستکاری کنند. حال آنکه در بازار کارا، تعدیلات قیمت سهام نسبت به گزارش های حسابداری بدون سوگیری^۲ است، بنابراین بخش دوم ادعای فوق صحیح نیست، مدیران نمی توانند به طور سیستماتیک بازار سهام را منحرف کنند.

شواهد فرضیه بازار کارا همچنین بیان کننده این است که قسمت اول ادعا صحیح نیست به این معنی که منابع اطلاعاتی مختلفی وجود دارد و گزارش های حسابداری تنها منبع اطلاعات نیست. علاوه بر این، با توجه به فرضیه بازار کارا، بازار سهام تا حدی می تواند شرکت های کارا و کمتر کارا را متمایز سازد.

اثر افشا روی ارزش شرکت باشد، این کار را انجام می‌دهند.

سهامداران کم تجربه

در این انتقاد، اعتقاد بر این است که سهامداران فاقد آموزش حسابداری نمی‌توانند ارقام حسابداری را تفسیر کنند. مثلاً نمی‌توانند سود گزارش شده شرکت‌هایی را مورد مقایسه قرار دهند که از روش‌های حسابداری متفاوت استفاده می‌کنند. در بازار کارا، قیمت سهام شرکت از ارزیابی بدون سوگیری اطلاعات موجود در ارقام حسابداری تشکیل می‌شود، بنابراین سهامداران کم تجربه از عدم توانایی خود در درک حسابداری صدمه نمی‌بینند چون از چتر حمایتی قیمت برخوردار هستند.^۴ آنها سهام را با قیمت منصفانه خریداری و یک نرخ بازده عادی کسب می‌کنند. در بازار کارا، متناسب تهیه صورت‌های مالی برای درک سهامداران کم تجربه، ثروت آنها یا ارزش شرکت را افزایش نمی‌دهد. توصیه بهتر موجود برای این سهامداران، متنوع ساختن سبد سرمایه‌گذاری است.

واژه سهامداران کم تجربه گمراه‌کننده است، چون این سهامداران لزوماً کم تجربه نیستند. انتخاب آنها، این بوده است که یا در مهارت‌های حسابداری، مالی، و اقتصادی سرمایه‌گذاری نکنند یا این نوع تحلیل‌ها برای آنها مزیت نسبی ندارد. لغت ویچ برای توضیح این مطلب از مثال خریدار دستگاه استریو استفاده می‌کند. خریدار می‌تواند خرید درستی انجام دهد حتی اگر مهارت فنی کامل در رابطه با پیچیدگی‌های فنی دستگاه استریو نداشته باشد. کاری که باید انجام دهد آنست که اطلاعات مربوط به عملکرد استریو را از مجلات یا گزارش‌های مصرف‌کننده خریداری کند. همین‌طور، سهامداران کم تجربه می‌توانند اطلاعات را از تحلیل‌گران خبره مثل Value Line یا Poor Standard & خریداری کنند. اطلاعات پر هزینه است بنابراین سهامداران بین هزینه مورد انتظار اشتباه و هزینه اطلاعات سبک سنگین^۵ می‌کنند. انتخاب عدم سرمایه‌گذاری در اطلاعات لزوماً کم تجربه‌گی نیست و بیان‌کننده سبک سنگین کردن شخصی سهامدار است.

۱۶ ثبات رفتاری

طرفداران این فرضیه معتقد هستند که سهامداران، سود

حسابداری را صرف نظر از روش‌های حسابداری مورد استفاده برای محاسبه آنها، به روش مشابهی تفسیر می‌کنند. اگر همه سهامداران به این نحو عمل کنند، ارتباط مکانیکی بین سود و قیمت سهام وجود خواهد داشت، و بازار سهام نخواهد توانست بین شرکت‌های کارا و کمترکارا تمایز قائل شود.

یکی از تفسیرهای این فرضیه آنست که سهامداران بین سودهای محاسبه شده یا استفاده از روش‌های مختلف تمایز قائل نمی‌شوند چون تعدیل ارقام پرهزینه است. ولی آثار تغییرات در روش‌های حسابداری بطور عمومی افشا می‌شود، و تعداد زیادی سهامدار خبره در بازار وجود دارند که تعدیلات را با هزینه کم انجام می‌دهند. بنابراین قیمت بازار سهام به گونه‌ای رفتار خواهد کرد گو این که کلیه سهامداران بین سودهای محاسبه شده با روش‌های حسابداری مختلف تمایز قائل می‌شوند. شکل نیمه‌قوی بازار کارای سرمایه آن مفهوم را دارد. سهامداران دارای ثبات رفتاری که بین سودها تفاوت قائل نمی‌شوند اساساً سهامداران کم تجربه هستند و در بازار کارا (به‌طور متوسط) زیان نمی‌کنند.

تفسیر دیگری از فرضیه ثبات رفتاری این است که سهامداران عاقلانه رفتار نمی‌کنند. این تفسیر با فرضیه بازار کارا و اقتصاد سازگاری ندارد چون اقتصاد، رفتار عاقلانه را فرض گرفته است. حتی اگر سهامداران در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری خود رفتار غیر عاقلانه داشته باشند، آنهايي کامیاب می‌شوند که شانسی قواعد سرمایه‌گذاری معقول انتخاب می‌کنند و آنهايي که این کار را انجام نمی‌دهند عاقبت وجوهی برای سرمایه‌گذاری نخواهند داشت.

ارقام بدون معنی

برخی از منتقدان مطرح می‌کنند چون سود با استفاده از روش‌های مختلف و متعدد ارزش‌گذاری محاسبه می‌شود (بهای تمام شده تاریخی، ارزش بازار)، ارقام سود بدون معنی است و قیمت‌های سهام مبتنی بر آن ارقام بین شرکت‌های کارا و کمترکارا تمایز قائل نمی‌شود. این انتقاد با فرضیه بازار کارا سازگار نیست. افزایش قیمت سهام با افزایش غیر منتظره سود و کاهش قیمت سهام با کاهش غیر منتظره سود رابطه دارد. بنابراین چون قیمت سهام یک

می کنند. و دلیل آن این است که حسابدار در انتخاب روش های حسابداری و برآوردهای ذهنی (استهلاک) آزاد است. اما عینیت لزوماً ارزشمند نیست. موضوع مفید بودن ارقام و هزینه تولید آنها است. بنابراین در یک بازار کارا، اگر اندازه گیری های عینی حسابداری مشاهده نشد احتمالاً به این دلیل است که اثر بخشی هزینه نداشته است.

این انتقاد به این معنی نیست که حسابداری بازار کارای سرمایه را از تمایز بین شرکت های کارا و کمتر کارا باز می دارد. علاوه بر این، به این مفهوم نیست که مقررات دولتی در زمینه حسابداری توانایی بازار را برای تخصیص سرمایه به شیوه ای کارا بهبود می بخشد. این موضوع تجربی است و به هزینه ها و منافع نسبی تولید خصوصی اطلاعات و تولید اطلاعات مقرر شده توسط دولت متکی است.

استدلال های مطرح در اقتصاد

فرضیه بازار کارا، استدلال های مرتبط با مقررات افشای اطلاعات را کم رنگ می کند. ولی آن دسته از پژوهشگرانی که آن را پذیرفته اند، برای وضع مقررات در زمینه گزارش های حسابداری و افشای اطلاعات مالی توجیه های دیگری ارائه می کنند (برای مثال، گوندس و دوپاچ^۸، ۱۹۷۴). این استدلال ها برگرفته از ادبیات اقتصاد راجع به ناتوانی های بازار^۷ است و به نوبه خود با استفاده از استدلال های موجود در ادبیات اقتصاد مورد انتقاد قرار گرفته است.

ناتوانی های بازار

ناتوانی بازار وقتی بوجود می آید که کیفیت و کمیت کالای تولید شده در بازار آزاد از نقطه بهینه متصور اجتماعی متفاوت باشد. نقطه بهینه اجتماعی، ستانده ای^۸ است که تابع رفاه اجتماعی را حداکثر می کند. این نقطه بهینه تنها هنگامی به دست می آید که قیمت کالاها مساوی هزینه نهایی اجتماعی آنها باشد. در بازارهای خصوصی، اشخاص رفاه خود را حداکثر می کنند و منافع و هزینه های نهایی خود را برابر می کنند. اگر هزینه خصوصی کالا، کمتر از هزینه های اجتماعی آن باشد مقدار زیادی از آن کالا در بازار آزاد تولید می شود و تولید اضافی^۹ به وجود می آید اگر منافع خصوصی کالا کمتر از منافع اجتماعی آن باشد مقدار کمی از

برآورد بدون سوگیری از ارزش است تغییرات سود مقیاس هایی از تغییرات ارزش هستند.

موضوع جالب تر اینکه، آیا روش های متفاوت و معنی دارتر برای محاسبه سود به برآورد بهتری از ارزش توسط بازار می انجامد؟، آیا منجر به قیمت های بازاری می شود که شرکت های کارا را متمایز سازد؟ این موضوع سوالی را مشابه سوال مطرح شده در بیان مجدد انحصار مدیریت مطرح می کند: از آنجا که چنین روشی، محاسبه سود بهتری به تولیدکنندگان خارجی اطلاعات یا مدیریت بازده غیرعادی ارائه می دهد، چرا به وسیله تولیدکنندگان خارجی یا مدیریت ارائه نمی شود؟ در بازار کارا، فقدان مقررات برای این روش ها بیان می کند که در سطح شخص، هزینه سیستم بیشتر از منافع آن برای مدیران یا تولیدکنندگان است. الزام دولتی برای استفاده از آن روش بهتر، تنها در صورتی رفاه را بهبود می بخشد که هزینه تولید کمتر از بازار آزاد باشد یا منافع اجتماعی آن بیشتر از منافع خصوصی باشد.

تنوع روش ها

تنوع روش ها، دلیل دیگری برای عدم توانایی بازار برای تمایز بین شرکت های کارا و کمتر کارا است و اغلب در ارتباط با انتقاد سهامدار کم تجربه مطرح است. چنانچه در بحث سایر انتقادات بیان شد، در بازار کارا، مدیران نمی توانند روش های متنوع را برای گمراه کردن سهامداران به کار گیرند. سهامداران از چتر حمایتی قیمت برخوردار هستند. همچنین، بیان شد که مدیران و سایر منابع اطلاعات برای کاهش سردرگمی مربوط به تنوع روش های حسابداری انگیزه دارند. برای استدلال این موضوع که یکنواختی تحمیل شده به وسیله دولت رفاه اجتماعی را افزایش می دهد نیاز است که (۱) هزینه افشا مربوط به یکنواختی تحمیل شده بوسیله دولت کمتر باشد یا (۲) منافع یکنواختی، بیشتر از روش های اتخاذ شده کنونی توسط اشخاص باشد، یعنی منافع عمومی بیشتر از منافع خصوصی باشد.

فقدان عینیت

این انتقاد بیان می کند که در رویه های جاری، حسابداران از یک مجموعه وقایع یکسان ارقام حسابداری مختلف تولید

کالا تولید می شود و تولید کم^{۱۰} بروز می کند.

ولی تولید اضافی در نتیجه مسئله پیام دهی^{۱۳} نیز مورد توجه قرار گرفته است.

مسئله کالای عمومی

ویژگی متمایز کالای عمومی آنست که مصرف شخص از آن کالا، مقدار موجود برای مصرف دیگران را کاهش نمی دهد. در حالی که مصرف شخص از کالای خصوصی (مثل سیب) مقدار موجود برای مصرف دیگران را کاهش می دهد.

فرض می شود اطلاعات موجود در گزارش های حسابداری، یک کالای عمومی است (گوندس و دوپاچ، ۱۹۷۴). ولی اطلاعات حسابداری، ویژگی های کالای عمومی و خصوصی هر دو را دارا است. مصرف اطلاعات توسط سهامدار، توانایی دیگران را برای استفاده از اطلاعات و حصول بازده مشابه را کاهش می دهد (قیمت ها تعدیل شده است). همچنین اگر اطلاعات بر وضعیت رقابتی شرکت اثر منفی داشته باشد هزینه ای غیرمستقیم برای شرکت افشاکننده اطلاعات وجود دارد (بیور^{۱۴}، ۱۹۸۱). در این مقاله، برای دنبال کردن تحلیل فرض می کنیم اطلاعات، کالای عمومی است.

ویژگی کالای عمومی اطلاعات، خود منجر به ناتوانی بازار نمی شود، اگر تولیدکننده خصوصی نتواند استفاده کنندگان کالا را از اشخاصی که برای آن بهایی نمی پردازند (غیر خریداران) تفکیک کند یا به طور کامل نتواند بین خریداران تفاوت قیمت قایل شود، ناتوانی به وجود می آید. در مورد صورت های مالی شرکت های سهامی ادعا می شود که مدیران نمی توانند غیر خریداران را تفکیک کنند (گوندس و دوپاچ، ۱۹۷۴). سرمایه گذارانی که سهام شرکت را در اختیار ندارند، می توانند اطلاعات موجود در گزارش های شرکت را به دست آورند بدون آن که هیچ ما به ازایی برای تولید آنها بپردازند. مدیران شرکت های سهامی هنگام تعیین مقدار اطلاعات تولیدی ارزش این اطلاعات را برای غیر خریداران به حساب نمی آورند (منافع خصوصی کمتر از منافع عمومی است)، چون آنها از اطلاعات استفاده می کنند و پرداختی انجام نمی دهند (غیر سهامداران). بنابراین مدیران در غیاب مقررات اطلاعات کمتر تولید می کنند و ناتوانی بازار بروز می کند.

اغلب مثال سیب و زنبور عسل برای تشریح ناتوانی بازار مورد استفاده قرار می گیرد. زنبوردار و باغ دار در همسایگی یکدیگر زمین دارند به گونه ای که زنبورها در کنار تولید عسل سیب ها را گرده افشانی می کنند و شکوفه ها در کنار تولید سیب به زنبورها شهد می دهند. ولی زنبوردار منافع ناشی از گرده افشانی زنبورها و باغ دار منافع ناشی از شهد شکوفه ها را در نظر نمی گیرند. هر دو، وقتی که درباره ستانده تصمیم گیری می کنند این منافع را در نظر نمی گیرند و در نتیجه هم عسل و هم سیب کمتر تولید می شود.

ناتوانی بازار بیان می کند که رفاه اجتماعی را می توان در مفهوم پارتو^{۱۱} به وسیله مقررات دولتی برای نزدیک کردن ستانده خصوصی به نقطه بهینه اجتماعی بهبود بخشید. توانایی دولت برای افزایش رفاه در مفهوم پارتو به معنی اینست که می تواند موجب تغییر ستانده شود و حداقل وضعیت شخص را بهتر می کند بدون اینکه وضعیت دیگری را بدتر کند. در مثال سیب و زنبور عسل، منافع نهایی اجتماعی از هزینه نهایی اجتماعی بیشتر می شود بنابراین دولت محصول عسل و سیب را افزایش خواهد داد. بعد از یاداش (جبران) افرادی که هزینه های مقررات را تحمل کرده اند عسل و سیب اضافی در دسترس خواهد بود.

ادعا می شود که برای اطلاعات حسابداری، ناتوانی بازار وجود دارد چون ستانده اطلاعات در گزارش های حسابداری در غیاب مقررات در یک مفهوم پارتو غیربهینه است، یا ناتوانی بازار اطلاعات حسابداری به وجود می آید چون تخصیص منابع ناشی از بازار برای اطلاعات مالی عادلانه منصفانه نیست، یعنی برای برخی گروه ها یا اشخاص منصفانه نیست (برای مثال، برتن^{۱۲}، ۱۹۷۴). این ناتوانی بازار توسط آن دسته از پژوهشگران حسابداری دنبال شده است که اقتصاد را به کار می گیرند چون تعریف معیار بهینگی منصفانه قابل قبول کلیه افراد امکان پذیر نیست. هر شخصی تخصیص منابع را از لحاظ ترجیح های خودش رتبه بندی می کند، و در کل دلیلی وجود ندارد که فکر کند آن ترجیح ها می تواند در داخل یک تابع رفاه اجتماعی جمع شوند. ارزیابی "منصفانه" قضاوتی است.

پژوهشگران حسابداری تمایل دارند روی تولید کمتر اطلاعات در نتیجه مسئله کالاهای عمومی متمرکز شوند

مالی، منابع اضافی صرف کنند تا پیام^{۲۱} دهند که سهام آنها کمتر از واقع ارزش‌گذاری شده است. شرکت‌هایی که سهام آنها از بیشتر از واقع ارزش‌گذاری شده به‌طور تلویحی این موضوع را با ارایه ندادن اطلاعات اضافی اعلام می‌کنند و قیمت سهام آنها کاهش می‌یابد. حال، تعدادی از شرکت‌هایی که سهام آنها کمتر از واقع ارزش‌گذاری شده^{۲۲} منابع خود را صرف می‌کنند تا اطلاعات اضافی ارائه دهند و فرآیند تا جایی ادامه می‌یابد که شرکت‌های با عملکرد بد پیام نمی‌دهند. از واژه فرضیه پیام‌دهی^{۲۳} برای اشاره به این قضیه استفاده می‌شود که پیام‌دهی انگیزه‌ای برای افشای اطلاعات شرکت‌های سهامی است روشن است که صرف منابع برای اطلاعات در مثال شرکت سهامی، تخصیص سرمایه را بهبود می‌بخشد و ستاده را افزایش می‌دهد (یعنی کاراترین شرکت‌ها، بیشترین سرمایه را دریافت می‌کنند). ولی، بخشی از مخارج مربوط به عملکرد گذشته است و مربوط به آینده نیست بنابراین هیچ منافع اجتماعی عاید نمی‌کند و پیام‌دهی، تا آن میزان می‌تواند تولید اضافی اطلاعات در گزارش‌های حسابداری را باعث شود.

مسئله سوداگری^{۲۴}

مسئله سوداگری توسط هریس لیفر^{۲۵} (۱۹۷۱) و فاما و لفر^{۲۶} (۱۹۷۱) در ادبیات اقتصادی بیان شده است. این مسئله مربوط به تولید اضافی اطلاعات به‌وسیله اشخاص خارج از شرکت برای اهداف سوداگری است. برزل^{۲۷} (۱۹۷۷) ماهیت مسئله سوداگری را تشریح می‌کند. فرض کنید کشاورزی گندم می‌کارد و انتظار دارد که طی ۶ ماه ۱۰۰۰ کیسه برداشت کند. قیمت محصول به شرایط آب و هوایی سایر نقاط بستگی دارد و ۵۰ سنت یا ۱/۵ دلار برای هر کیسه با احتمال یکسان خواهد بود. حال فرض کنید شخصی با هزینه کردن ۱۰۰ دلار می‌تواند با اطمینان وضعیت آب و هوایی نقاط دیگر را پیش‌بینی نماید. دانستن وضعیت آب و هوایی سایر نقاط کشاورز را قادر نمی‌سازد که میزان محصول خود را تغییر دهد. اما اشخاص برای سرمایه‌گذاری در پیش‌بینی انگیزه دارند. بدون پیش‌بینی، قرارداد آبی برای فروش هر کیسه ۱ دلار $\{ = 1 \} = (0/5) + (0/5) \{$ خواهد بود.

اگر سوداگران پیش‌بینی کنند که قیمت ۵۰ سنت خواهد

این مسئله به این دلیل بوجود می‌آید که در معامله‌ای بالقوه، یک طرف نسبت به طرف دیگر، دارای اطلاعات بیشتری است، یعنی عدم تقارن اطلاعات وجود دارد. این مشکل در ادبیات اقتصاد بوسیله ایکرلف^{۱۵} (۱۹۷۳) ارو^{۱۶} (۱۹۷۳) اسپنس^{۱۷} (۱۹۷۳)، استیگ لیترز^{۱۸} (۱۹۷۵) گوندس، دوپاچ و پنمن^{۱۹} (۱۹۷۶) و گوندس^{۲۰} (۱۹۷۸) مطرح شد. آنها معتقد بودند که این مشکل شامل حال اطلاعات حسابداری است.

یک مثال ساده ماهیت ناتوانی بازار و در نتیجه مشکل پیام‌دهی را روشن می‌سازد. نیروی کاری را در نظر بگیرید که از دو گروه اشخاص با بهره‌وری متفاوت تشکیل شده است، درحالی که کارگران میزان بهره‌وری خود را قبل از قرارداد در بازار کار می‌دانند اما کارفرماهای آنها از این موضوع اطلاع ندارند چون تعیین آن برای آنها بسیار پرهزینه است. در نتیجه به کارگران براساس متوسط بهره‌وری یا بهره‌وری مورد انتظار پرداخت می‌شود. اشخاص با بهره‌وری بیشتر، کمتر از آن چیزی که باید دریافت می‌کنند (اگر تفکیک می‌شدند) بنابراین، انگیزه دارند تا منابعی را صرف کنند تا پیام دهند که بهره‌وری آنها بیشتر است. یکی از راه‌های آن حضور در دانشگاه است. کارگران با بهره‌وری بیشتر در دانشگاه حاضر می‌شوند و بهره‌وری خود را نشان داده و به موجب آن، دستمزد خود را افزایش می‌دهند. تنها آنهایی که بهره‌وری بیشتر دارند در دانشگاه حاضر می‌شوند چون هزینه پیام‌دهی برای آنها کمتر است.

اگر دانشگاه بهره‌وری شخص را افزایش ندهد، منابع صرف شده در دانشگاه ستانده را افزایش نمی‌دهد. دستمزدهای کارگران با بهره‌وری بیشتر به هزینه کارگران با بهره‌وری کمتر افزایش می‌یابد. در مفهوم بهینگی پارتو، مخارج آموزش هدر می‌رود. منافع آموزش برای افراد با بهره‌وری بیشتر، از منافع آموزش برای جامعه بیشتر است و تولید اضافی آموزش دانشگاه وجود خواهد داشت.

مشکل افشای اطلاعات شرکت سهامی با اشاره به این موضوع بسط داده می‌شود که مدیران شرکت‌های سهامی درباره ارزش شرکت سهامی نسبت به سهامداران بیرون از شرکت اطلاعات بیشتری دارند. شرکت‌های دارای قیمت سهام کمتر از ارزش واقعی، انگیزه دارند تا برای اطلاعات

عمومی می‌توانستند با برخی از استفاده‌کنندگان آن کالاها برای پرداخت قرارداد منعقد کنند (کوئیس^{۲۹}، ۱۹۷۴؛ چونگ^{۳۰}، ۱۹۷۳). علاوه بر این، شواهدی وجود دارد که شرکت‌ها قبلاً به ارائه گزارش‌های حسابداری اقدام کرده‌اند قبل از آنکه به موجب قانون الزامی شود (بنستون^{۳۱}، ۱۹۶۹) اگر تولیدکنندگان خصوصی که با بعضی اشخاص قرارداد منعقد می‌کنند که از کالای عمومی منفعت می‌برند چرا با کسانی قرارداد منعقد نکنند که مجانی از اطلاعات استفاده می‌کنند؟ یک پاسخ، هزینه قرارداد با آن اشخاص است. هزینه قرارداد با آن اشخاص بیش از منافع آن است و این دلیل استفاده مجانی از اطلاعات به وسیله اشخاص است. به محض پذیرفته شدن هزینه‌های قرارداد، دیگر معلوم نیست که مشکل کالای عمومی به ناتوانی بازار بیانجامد. هزینه‌های قرارداد مثل سایر هزینه‌های تولید است. اگر هزینه‌های خصوصی قرارداد بیشتر از منافع خصوصی باشد، تنها در صورتی ناتوانی بازار وجود دارد که هزینه‌های دولتی قرارداد کمتر از هزینه‌های خصوصی باشد. شواهدی برای حمایت از آن شرایط ارائه نشده است.

سفسطه در مسئله پیام‌دهی

این مسئله نیز هزینه‌های قرارداد را نادیده می‌گیرد (برزل، ۱۹۷۷). فرض کنید که هزینه‌های قرارداد صفر است (چنانچه بوسیله استدلال‌های ناتوانی بازار فرض می‌شود). سپس، در مثال آموزش دانشگاهی، قراردادی می‌تواند منعقد شود که از نظر بهینگی پارتو بهتر از پیام‌دهی از طریق آموزش دانشگاهی است.

آموزش دانشگاهی ۴ سال طول می‌کشد، بنابراین فرض کنید کارفرمایی پس از ۱۰ سال بطور کامل و بدون هزینه می‌تواند تعیین کند که بهره‌وری کارمندی زیاد یا کم است. پس کارفرما می‌تواند قراردادی را پیشنهاد کند که هر کسی ترجیح می‌دهد. برای ۱۰ سال اول، کارفرما به هر کارمند کمی بیشتر از ارزش ستانده اشخاص با بهره‌وری کم پرداخت می‌کند. وقتی که بعد از ۱۰ سال بهره‌وری مشخص شد، برای اشخاصی که بهره‌وری کمتر دارند تعدیل صورت نمی‌گیرد. در حالی که اشخاص با بهره‌وری بیشتر پاداشی دریافت می‌کنند که برابر با ارزش ستانده اضافی آنها در طی

بود، قرار داد آتی برای فروش گندم به قیمت هر کیسه ۱ دلار منعقد می‌کنند و پس از آن با استفاده از گندمی قرارداد را اجرای می‌کنند که ارزش هر کیسه آن ۵۰ سنت است. اگر قیمت پیش‌بینی ۱/۵ دلار برای هر کیسه باشد، سوداگر یک قرارداد آتی برای خرید گندم برای هر کیسه ۱ دلار منعقد می‌کند و در آینده گندمی را دریافت می‌کند که می‌تواند هر کیسه آن را ۱/۵ دلار بفروشد. در هر حالت، سوداگر ۵۰ سنت روی هر کیسه سود می‌کند که برای کل محصول کشاورز بالغ بر ۵۰۰ دلار می‌شود (بعد از کسر هزینه پیش‌بینی، ۴۰۰ دلار می‌شود). در این مثال، ۱۰۰ دلار صرف شده برای پیش‌بینی آب و هوا، مقدار تولید گندم را تغییر نمی‌دهد، در اصل تخصیص مجدد ثروت است. بنابراین در حالی که منافع خصوصی سرمایه‌گذاری در پیش‌بینی وضعیت آب و هوا برای سوداگر مثبت است، منافع اجتماعی آن صفر است. این حالت شبیه سرمایه‌گذاری منابع برای ارائه طرحی جهت پیش‌بینی نتیجه مسابقه اسب‌دوانی است. می‌توان گفت، هنگامی که چنین پیش‌بینی‌هایی شرکت را قادر نمی‌سازد تا تصمیم‌های تولید خود را تغییر دهد منابع به شکل اضافی برای پیش‌بینی برندگان شرکت‌های سهامی صرف شده است.

سفسطه در استدلال‌های پیشگفته

اول، اینکه در یک دنیای قراردادی و خاص مطرح و سپس فرض می‌شود که در عمل نیز اتفاق می‌افتند. این دنیای ساده، ویژگی‌های مهم بازار را نادیده می‌گیرد، ویژگی‌هایی که احتمال ناتوانی بازار را کاهش می‌دهد. دوم، این ادعا که ناتوانی بازار توجیه‌کننده مقررات دولتی برای رسیدن به سطح بهینه اطلاعات است، ما را درگیر این سفسطه می‌کند که "علف همیشه سبزتر است" (دمستز^{۲۸}، ۱۹۶۹). لفت ویچ (۱۹۸۰) بیان می‌کند که آن استدلال‌ها، ما را درگیر سفسطه دیگری می‌کند. آن استدلال‌ها نشان نمی‌دهند که بهینگی متصور، که آنها بازار را با آن مقایسه می‌کنند، می‌تواند با مجموعه توافق‌های نهادی ممکن تولید شود.

سفسطه در مسئله کالای عمومی

شواهدی وجود دارد که تولیدکنندگان خصوصی کالاهای

هزینه مقررات

هزینه مقررات افشای اطلاعات مالی شرکت سهامی تنها هزینه مستقیم منابع مصرف شده بوسیله هیئت‌های تنظیم مقررات در تنظیم و ضمانت اجرای قوانین و مقررات و همچنین تنها منابع مصرف شده بوسیله شرکت در اجرای آن قوانین و مقررات نیست. مقررات همچنین بر تصمیمات سرمایه‌گذاری، تولید و تامین مالی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد و نه لزوماً به طریقی که رفاه را در مفهوم پارتو بهبود بخشد. این هزینه‌های غیرمستقیم نیز باید در نظر گرفته شود و این هزینه‌ها احتمالاً خیلی بیشتر از هزینه‌های مستقیم است.

هزینه‌های نظارت، رعایت، و موضع‌گیری و لابی تنها هزینه‌های مستقیم مقررات نیستند که بر شرکت‌ها تحمیل می‌شود. برای مثال، افزایش زبان مورد انتظار ناشی از دادخواهی در برابر حسابداران و شرکت‌های سهامی در نتیجه قواعدی افزایش می‌یابد که افشای زیاد اطلاعات را طلب می‌کند. علاوه بر این، بسیاری از قراردادهای (قرارداد پاداش مسدیریت، قراردادهای وام) از ارقام حسابداری استفاده می‌کنند. با تغییر استانداردها، ارقام حسابداری نیز می‌تواند تغییر کند و شرایط این قراردادهای ممکن است مورد مذاکره قرار گیرد که فرآیند پر هزینه‌ای است.

بعضی از استانداردهای حسابداری باعث می‌شود که مدیران شرکت‌های سهامی تصمیمات مالی، سرمایه‌گذاری و تولید خود را تغییر دهند که این امر باعث تحمیل هزینه بر آنها می‌شود. هزینه‌های مقررات افشا را جامعه از طریق پرداخت مالیات‌های بیشتر برای افشا و اجرای مقررات افشا و بازده کمتر سهام شرکت‌ها تحمل می‌کند. این هزینه‌ها را سهامداران، مدیران و مصرف‌کنندگان تولیدات شرکت‌ها تحمل می‌کنند. با توجه به موارد پیشگفته، واضح است که هماهنگ سازی افشای اطلاعات به خصوص هماهنگ کردن روش‌های حسابداری پر هزینه باشد. با نبود شواهد راجع به (۱) حجم این هزینه‌ها نسبت به هزینه‌های خصوصی قرارداد و تهیه اطلاعات (۲) مزایای مقررات، معلوم نیست که مقررات دولت راجع به افشای اطلاعات مالی، رفاه اجتماعی را بهبود ببخشد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

نیاز تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری به رهنمود،

ده سال اول کار آنان منهای مقداری کمتر از هزینه آموزش دانشگاهی است. وضعیت همه افراد با این قرارداد نسبت به پیام‌دهی از طریق آموزش دانشگاهی بهتر خواهد بود. اشخاص با بهره‌وری کمتر، درآمد بیشتر کسب می‌کنند، اشخاص با بهره‌وری بیشتر، ثروت بیشتری دارند (پاداش به میزانی کمتر از هزینه دانشگاه کاهش می‌یابد) و کارفرما باید کمتر پرداخت کند و دانشگاه نیز برای پیام‌دهی استفاده نمی‌شود. برای بهینه بودن، فرض کنید که مسئله پیام‌دهی هزینه‌های قراردادی زیادی دربر دارد. ولی همانگونه که استدلال شد، اگر آن هزینه‌ها برای اشخاص و دولت یکسان باشد ناتوانی بازار وجود ندارد.

سفسطه در مسئله سوداگری

برزل (۱۹۷۷) خاطر نشان می‌کند که سناریو سوداگری (هیرش لیفر، ۱۹۷۱) فرض می‌کند که هزینه‌های معاملات صفر است. آیا در آن دنیا، قرارداد دیگری وجود دارد که برای کشاورز و مصرف‌کننده بهتر باشد؟ قیمت مورد انتظار کشاورز که انحصاراً با یک سوداگر آگاه معامله می‌کند عبارت از $[۷۵ = (۰/۵)(۰/۵) + (۱/۰۰)(۱/۵)]$ سنت برای هر کیسه است. در مثال ما که سوداگر از کشاورز نصف زمان خریداری می‌کند با یک قرارداد آتی برای تحویل هر کیسه ۱ دلار و نصف زمان سوداگر گندم را برای هر کیسه ۵۰ سنت خریداری می‌کند. قیمت مورد انتظار مصرف‌کننده که به طور انحصاری با سوداگر معامله می‌کند عبارت از $[۱/۲۵ = (۰/۵)(۱/۵) + (۱/۰۰)(۰/۵)]$ دلار برای هر کیسه است. سوداگر هنگامی که گندم را با قرارداد آتی ۱ دلار خریداری می‌کند آنرا با قیمت ۱/۵ دلار برای هر کیسه به مصرف‌کننده می‌فروشد و وقتی که گندم را ۵۰ سنت خریداری می‌کند با قیمت ۱ دلار به فروشنده می‌فروشد. در این دنیا، کشاورز و مصرف‌کننده می‌توانند بوسیله عقد قرارداد بلندمدت با قیمت ۱ دلار برای هر کیسه سوداگر را حذف کنند. این به نفع هر دو آنهاست. کشاورز گندم را به جای ۷۵ سنت ۱ دلار می‌فروشد و مصرف‌کننده نیز گندم را به جای ۱/۲۵ دلار، ۱ دلار خریداری می‌کند. از آنجا که سوداگر هیچ چیزی فراهم نمی‌کند، کشاورز و مصرف‌کننده با وی معامله نمی‌کنند. منابع هدر نخواهد رفت و ناتوانی بازار به وجود نخواهد آمد.

- 11- Pareto
- 12- Burton
- 13- Signaling
- 14- Beaver
- 15- Akerlof
- 16- Arrow
- 17- Spence
- 18- Stiglitz
- 19- Gonedes, Dopuch and Penman
- 20- Gonedes
- 21- Signal
- 22- Undervalued
- 23- Signaling Hypothesis
- 24- Speculation
- 25- Hirshleifer
- 26- Fama and Laffer
- 27- Barzel
- 28- Demsetz
- 29- Coase
- 30- Cheung
- 31- Benston

منابع و مآخذ

- 1- Akerlof, G. A., (1970). "The Market For Lemons: Quality Uncertainty and The Market Mechanism" *Quarterly Journal of Economics* 84 (August), pp.488 - 500.
- 2- Arrow, K. J., (1973) "Higher Education as a Filter" *Journal of Public Economics* 2 (July) pp. 193-216.
- 3- Barzel, Y., (1977) "Some Fallacies in the Interpretation of Information Costs", *Journal of Law and Economics* 20 (October), pp.291-307.
- 4- Beaver, W. H., (1981). "Financial Reporting: An Accounting Revolution" Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- 5- Benston, G. J., (1969). "The Value of the SE'S Accounting Disclosure Requirements" *Accounting Review* 44 (July), pp. 515-532
- 6- Burton, J. c., (1974). "Forecasts: A Changing View From the Securities and Exchange Commission", in P Prakash and A. Rappaport, eds., *Public Reporting of Corporate Financial Forecasts*, pp. 81 -91, New York: Commerce Clearing House.
- 7- Cheung, S., (1973). "The Fable of the Bees: An Economic Investigation" *Journal of Law and Economics* 16 (April), pp. 11-33.

پژوهشگران اثباتی حسابداری را سوق داد تا مفاهیم ضمنی فرضیه بازار کارا را برای دلایل سنتی مقررات افشا تحلیل کنند. این تجزیه و تحلیل ها به بی اعتبار شدن استدلال های سنتی انجامید. ولی پژوهشگران اثباتی استدلال های جدیدی از ادبیات علم اقتصاد مطرح کردند که مبتنی بر ناتوانی های بازار بود. این استدلال های جدید در زمان خود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و نتیجه آن شد که توجیه روشنی برای مقررات افشای اطلاعات شرکت های سهامی وجود ندارد. این یک موضوع تجربی در زمینه هزینه ها و منافع نسبی مقررات افشا است. شواهدی وجود دارد که مقررات هزینه های خصوصی (تاثیر بر قیمت سهام) و هزینه های اجتماعی (منابع صرف شده به وسیله کمیسیون بورس و اوراق بهادار) تحمیل می کند و شواهد کمی درباره منافع مقررات وجود دارد. چو (۱۹۸۳) دریافت که قانون اوراق بهادار مصوب ۱۹۳۳ ثروت سهامداران شرکت های را کاهش داد که تحت تاثیر آن بودند.

این نتیجه که ارزش مقررات یک موضوع تجربی است با فقدان نگرانی آشکار مراجع تدوین کننده مقررات در زمینه ارزیابی هزینه ها و منافع مقررات مغایر است. این امر به نوبه خود، این فرض را مورد سؤال قرار می دهد که مقررات به خاطر "منافع عمومی" وضع شده است و راهی را برای مدل سازی رفتار افراد مشارکت کننده در فرآیند سیاسی گشود و نشان داد که در فرآیند سیاسی اطلاعات بدون هزینه نیست. بدون هزینه نبودن اطلاعات، دلیلی برای مدیران بود تا مراقب انتخاب خود از بین روش های حسابداری بدون اثر مالیاتی باشند.

پی نوشت ها

- 1- Leftwich
- 2- Unbiased
- 3- Manne
- 4- Price protected
- 5- Trade - off
- 6- Gonedes and Dopuch
- 7- Market Failures
- 8- Output
- 9- Overproduction
- 10- Underproduction

- 8- Chow, C. W., (1983). "The Impacts of Accounting Regulation on Bondholder and Shareholder Wealth: The Case of The Securities Acts" Accounting Review 58 (July), pp. 485-520.
- 9- Coase, R., (1974). "The Lighthouse in Economics", Journal of Law and Economics 17 (October), pp. 357-379.
- 10- Demsetz, H., (1969), "Information and Efficiency: Another Viewpoint", Journal of Law and Economics 12 (April), pp. 1-22.
- 11- Fama, E. F., and A. B. Laffer, (1971). "Information and Capital Markets", Journal of Business 44 (July), pp. 284-298.
- 12- Gonedes. N., (1978). "Corporate Signaling, External Accounting, and Capital Market Equilibrium: Evidence on Dividends, Income and Extraordinary Items", Journal of Accounting Research 16 (spring), pp. 26-79
- 13- Gonedes, N., and N. Dopuch, (1974)." Capital Market Equilibrium Information Production, and Selection Accounting Techniques: Theoretical Framework and Review of Empirical Work", Studies on Financial Accounting objectives: 1974, Supplement to Vol 12 of Journal of Accounting Research, pp. 48-13.
- 14- Gonedes, N., N. Dopuch, and S. H. Penman, (1976). "Disclosure Rules, Information Production, and Capital Market Equilibrium: The Case of Forecast Disclosure Rules", Journal of Accounting Research 14 (Spring). pp. 89-137.
- 15- Hirshleifer, J., (1971). "The Private and Social Value of Information and the Reward to Incentive Activity", American Economic Review 61 (September), pp. 561-574.
- 16- Leftwich, R., (1980). "Market Failure Fallacies and Accounting Information" Journal of Accounting and Economics 2, (December) pp.193-221.
- 17- Manne, H. G., (1966). "Insider Trading and the stock Market", New York: The Free Press.
- 18- Spence, M., (1973). "Job Market Signaling", Quarterly Journal of Economics 84, (August) pp. 355-374.
- 19- Stiglitz, J. E., (1975). "The Theory of 'Screening, Education, and The Distribution of Income", American Economic Review 65 (June), pp. 283-300.
- 20- Watts, R. L., and J. L. Zimmermam, (1986). "Positive Accounting Theory". Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ.

اطلاعیه
ژورنال مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



انجمن حسابداران خبره ایران در مهرماه ۱۳۸۶ همایشی با مضمون محوری
'جایگاه حرفه حسابداری در فرآیند خصوصی سازی' برگزار می نماید.
تاریخ، محل برگزاری و نحوه ثبت نام در شماره بعدی به اطلاع علاقمندان می رسد.

انجمن حسابداران خبره ایران